

عنوان مقاله:

بررسی شباهت های عرفان اسلامی و عرفان سرخپوستی از دیدگاه وحدت وجود

محل انتشار:

نهمین همایش ملی پژوهش های زبان و ادبیات فارسی (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 11

نویسنده:

حسان اکبریور - دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات تطبیقی، دانشگاه فردوسی مشهد

خلاصه مقاله:

بر اساس گفتگوی فراتاریخی می توان هر نظام اندیشه گانی را با نظام دیگر مقایسه کرد، به شرطی که حول یک محور مشابه شکل گرفته باشند. بر همین اساس در این مقاله نشان می دهیم که با وجود تفاوت هایی که میان عرفان اسلامی و عرفان سرخپوستی وجود دارد، میتوان شباهت های بسیار زیادی را در عرفان عملی این دو منش عرفانی یافت. زیرا در هر کدام از این دو مکتب مراحل و شیوه هایی خاص برای سیروسلوک و رسیدن به یک هدف نهایی وجود دارد. اما وجود این شیوه ها و مراحل بدین معنی نیست که هر آنچه در آن مصداق عرفانی می آید صرفا از ابداعات آن مسلک بوده و در دیگر نحله های عرفانی یافت نمی شود بلکه منظور اشاره به چهارچوب های اساسی یک مسلک عرفانی است. اصول اساسی که شاکله یک مسلک عرفانی را می سازد ممکن است در دیگر نحله های عرفانی مشابه بیان شده باشد، اما با این تفاوت که در عرفان مورد نظر این اصول از ویژگی های مهم و جدانشدنی به حساب می آیند. بنابراین هرچند دو عرفان مذکور دارای ویژگی های سیروسلوک خاص خود هستند، اما در بسیاری موارد این ویژگی ها با یکدیگر قرابت تام دارند تا آنجا که میتوان برخی از آنها را کاملاً با یکدیگر متناسب و یکسان دانست. در مقاله حاضر که هدف آن تطبیق برخی از مهمترین ویژگی های سیروسلوک بین عرفان اسلامی و عرفان سرخپوستی میباشد، نتایج به دست آمده میتواند راهگشای تحقیقات بعدی در زمینه عرفان سرخپوستی و تطبیق آن با دیگر نحله های عرفانی باشد. این ویژگی ها با تکیه بر آثار شیخ محمود شبستری در عرفان اسلامی که از مهمترین شارحان آثار ابن عربی میباشد، و نیز آموزه های کارلوس کاستاندا مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

کلمات کلیدی:

محمود شبستری، ابن عربی، کاستاندا، سیروسلوک، عرفان

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/829239>

